

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معرفت سورہ فتح

طرح قرآنی رسول اکرم ﷺ (۲)





معرفت سورہ فتح

طرح قرآنی رسول اکرم ﷺ (۲)

محرم و صفر ۱۴۴۷



انتشارات موسسه فرهنگی بین المللی قرآن و عترت
مکتب امام رضا علیه السلام

شناسنامه

معرفت سوره مبارکه فتح
طرح قرآنی رسول اکرم ﷺ (۲)

مؤلف: ریحانه سادات رئیس الساداتی
ناشر: موسسه فرهنگی بین المللی قرآن و عترت مکتب امام رضا علیه السلام
چاپ و صحافی: نیلی نگار
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۲۸۲-۱-۳
ISBN: 978-622-91282-1-3



انشارات موسسه فرهنگی بین المللی قرآن و عترت
مکتب امام رضا علیه السلام

زندگی با آیه

۳۰ آیه را بخوانیم
حفظ و زندگی کنیم.



موسسه فرهنگی بین المللی قرآن و عترت
مکتب امام رضا علیه السلام

فهرست

۴	• معرفی طرح رسول اکرم ﷺ	۶۰	• روز ۱۳
۴	• دستورالعمل اجرای طرح	۶۴	• روز ۱۴
۵	• مقدمه	۶۶	• روز ۱۵
۱۶	• چرا سوره فتح را بخوانیم؟	۶۸	• روز ۱۶
۱۸	• سوره فتح	۷۰	• روز ۱۷
۲۶	• روز ۱	۷۲	• روز ۱۸
۲۸	• روز ۲	۷۶	• روز ۱۹
۳۲	• روز ۳	۷۸	• روز ۲۰
۳۴	• روز ۴	۸۰	• روز ۲۱
۳۸	• روز ۵	۸۲	• روز ۲۲
۴۲	• روز ۶	۸۸	• روز ۲۳
۴۶	• روز ۷	۹۰	• روز ۲۴
۴۸	• روز ۸	۹۲	• روز ۲۵
۵۰	• روز ۹	۹۶	• روز ۲۶
۵۲	• روز ۱۰	۱۰۰	• روز ۲۷
۵۶	• روز ۱۱	۱۰۴	• روز ۲۸
۵۸	• روز ۱۲	۱۰۸	• روز ۲۹

• معرفی طرح رسول اکرم ﷺ •

طرح رسول اکرم ﷺ یک طرح قرآنی سوره محور است که مطابق برنامه ریزی زمانی براساس مناسبت های اسلامی در میان گروه های مردمی در سطح ملی و بین المللی اجرا می گردد.

هدف از این طرح قرائت و معرفت افزایی نسبت به سوره های مختلف قرآن و مطالب منتخب دینی است.

در این طرح تلاش می شود با زبان ساده برگرفته از منابع اصیل اسلامی با صرف کمترین زمان ممکن شناخت قرآنی در میان اقشار مختلف جامعه ایجاد گردد.

• دستورالعمل اجرایی •

برای اجرای طرح سوره مبارکه فتح ابتدا تلاوت سوره یا پخش آن در جلسه انجام شود سپس در هر یک از این ۲۹ روز مطابق تقسیم بندی ارائه شده از مطالب اقدام گردد.

بخش معرفت آیات برگرفته از تفاسیر روایی و تفسیر المیزان می باشد سپس در بخش شهید رئیسی در کلام رهبر معظم انقلاب که به بیان دیدگاه های مقام معظم رهبری در مورد شهید آیت الله رئیسی می پردازد.

۱. قرائت کل سوره یا پخش آن

۲. بیان مطالب روزانه طبق تقسیم بندی ارائه شده در جلسه قرآنی

۳. شهید رئیسی در کلام رهبر معظم انقلاب

۴. صلوات خاصه امام حسین علیه السلام



سوره فتح در جزء بیست و ششم به عنوان چهل و هشتمین سوره قرآن کریم قرار دارد. این سوره دارای ۲۹ آیه بوده و در دوران حکومت اسلامی پیامبر ﷺ نازل شده است. این سوره مربوط به جریانی سیاسی در زمان پیامبر اکرم ﷺ پس از پیروزی در جنگ خندق است.

پیامبر ﷺ در سال ششم هجری تصمیم به حرکت به سمت مکه برای انجام عمره گرفتند. این عزیمت پس از شکست مشرکین مکه و یهودیان هم پیمانانشان در جنگ خندق بود. برخی از مسلمانان حاضر به حرکت با پیامبر ﷺ نشده و از ایشان اطاعت نکردند. اما پیامبر ﷺ و بسیاری از مسلمین به سمت عمره رفته و میان راه در محله‌ای به نام حدیبیه که بعدها مسجدی در آنجا ساخته شد، توقف کرده و عثمان را به عنوان نماینده مسلمین برای مذاکره به مکه فرستادند. پس از یک روز که خبری از عثمان نشد و شایعه کشته شدن او به میان آمد. در زیر درختی پیامبر ﷺ و یارانشان جمع شده و بیعت رضوان برای هم عهدی در مقابل دشمن بسته شد. عثمان پس از سه روز سالم از مکه بازگشت اما پیامبر ﷺ با فرستاده مشرکین صلح نامه‌ای پذیرفتند که طی ده سال هیچ خصومت جانی مسلمین و مشرکین را تهدید نکند. سوره فتح اشاره به این جریان دارد که البته از نزول آن برخی از مسلمین به دلیل بی نتیجه بودن عزیمت مسلمانان به مکه و عدم عمره به جا آوردن، پیامبر ﷺ و سوره را مورد طعنه قرار دادند. اما پس از مدتی یکی از قبایل مشرکین تعدادی از مسلمانان را به قتل رساند و همین باعث برهم خوردن صلح و فتح مکه شد.^۱

ابن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: شأن نزول این سوره و

۱. برای مطالعه بیشتر به سیره ابن هشام مراجعه کنید.



این فتح بزرگ آن بود که خداوند به رسول خدا ﷺ در خواب دستور داد که وارد مسجد الحرام شود و در آنجا به طواف کعبه بپردازد و همراه با حج گزاران در پایان مراسم حج، موی سر خویش را بتراشد. آن حضرت، خوابش را برای یارانش تعریف کرد و به آن‌ها دستور حرکت داد. زمانی که به ذوالحلیفه رسیدند، به قصد ادای عمره احرام بستند و حیواناتی را جهت قربانی به همراه خود بردند. رسول خدا ﷺ نیز شصت و شش رأس حیوان برای قربانی تعیین کرد و هنگام محرم شدن، بر شتران علامت گذاشت. آن‌ها با هدف انجام عمره در ذوالحلیفه احرام بستند. هریک از آن‌ها حیوانات قربانی خود را علامت زده و روی شتران را پوشانده بودند. زمانی که این امر به اطلاع قریش رسید، خالد بن ولید را به همراه دویست سوار کار برای کمین فرستادند تا با رسول خدا ﷺ مقابله کند. او می‌خواست در کوه‌ها با آن حضرت روبرو شود. در میان راه، وقت اذان ظهر فرا رسید. بلال اذان گفت و مردم نمازشان را به امامت رسول خدا ﷺ اقامه کردند. خالد بن ولید گفت: «اگر درحالی که آن‌ها در نماز بودند به آن‌ها حمله می‌کردیم، کاملاً نابودشان می‌کردیم. اما اکنون زمان برگزاری نماز دیگری خواهد رسید که از نور دیدگان‌شان برایشان عزیزتر است. هرگاه شروع به ادای آن نماز کردند به آن‌ها حمله می‌کنیم». در این هنگام جبرئیل نماز خوف را بر پیامبر ﷺ نازل و آیه‌ی زیر را از سوی پروردگار به پیامبر ابلاغ نمود: و هنگامی که در میان آن‌ها باشی، و [در میدان جنگ] برای آن‌ها نماز را برپا کنی. (سوره نساء، آیه ۱۰۴) (در روز دوم، رسول خدا ﷺ در حدیبیه فرود آمد که در نزدیکی محدوده‌ی حرم است. رسول خدا ﷺ در طول مسیرش از اعراب خواست به او ببینوند اما هیچ‌کس از ایشان پیروی نکرد و می‌گفتند: «آیا محمد ﷺ و یارانش گمان می‌کنند می‌توانند وارد حرم شوند، درحالی که قریش در داخل شهرشان با آن‌ها جنگید و آن‌ها را شکست داد؟ محمد ﷺ و یارانش هرگز به مدینه باز



نخواهند گشت». زمانی که پیامبر ﷺ در حدیبیه فرود آمد قریشیان به لات و عزی قسم می خوردند که هرگز نمی گذارند آن حضرت و یارانش زنده به مکه برسند. رسول خدا ﷺ فرستاده ای به سوی آنان فرستاد و فرمود: «من برای جنگ نیامده ام. من فقط می خواهم حج را به جای بیاورم و حیوانات قربانی را که همراه خود آورده ام سر ببرم و گوشت آن را برای شما بر جای بگذارم». آن ها عروه بن مسعود ثقفی را نزد رسول خدا ﷺ فرستادند. او انسان عاقل و خردمندی بود که آیه زیر درباره ی او نازل شده بود: چرا این قرآن بر مرد بزرگ [و ثروتمندی] از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟ (سوره زخرف، آیه ۳۱) (زمانی که به سوی پیامبر ﷺ آمد، این تصمیم آن حضرت را خطرناک دانست و گفت: «ای محمد ﷺ! من در حالی از مکه خارج شدم که قریش شمشیرها بر کشیده و ساز و برگ جنگی تهیه می کردند و به لات و عزی قسم می خوردند که نمی گذارند زنده وارد مکه شوی. زیرا مکه حرم آن ها است و چشم طرفه و بدیع آنان به شمار می آید. آیا تو می خواهی خانواده و قومت را به کشتن بدهی؟» رسول خدا ﷺ فرمود: «من برای جنگ نیامده ام. بلکه فقط می خواهم مناسک حج را به جای آورم و قربانی کنم و گوشت آن را برایتان بر جای می گذارم». عروه گفت: «به خدا قسم! هرگز ندیده ام که گروهی مانند امروز تصمیم به مقابله با گروه دیگری بگیرند». او به سوی قریش بازگشت. سران قریش گفتند: «به خدا قسم! اگر محمد ﷺ وارد مکه شود و اعراب آن را بکشوند، خوار خواهیم شد و اعراب بر ما گستاخ خواهند شد».

آن ها حفص بن احنف و سهیل بن عمرو را به سوی پیامبر ﷺ فرستادند. زمانی که رسول اکرم ﷺ آن ها را دید فرمود: «وای بر قریش! جنگ آن ها را فرسوده کرده است. چرا راه مرا باز نمی کنید تا با اعراب روبرو شوم؟ اگر راستگو بودم، پادشاهی را با نبوت خویش برایشان به ارمغان می آورم و اگر دروغگو



بودم، آن‌ها را از گرگ‌های عرب حفظ خواهم کرد. امروز هرکدام از قریش که از من در خواستی بکند که انجام آن موجب خشم پروردگار نباشد، قطعاً آن را عملی خواهم کرد». آن دو دلسوزانه از رسول خدا ﷺ درخواست کردند و گفتند: «ای محمد ﷺ! چرا امسال به مدینه باز نمی‌گردی تا ببینیم که کار تو و اعراب به کجا خواهد کشید؟ اعراب خبر حرکت شما به سوی مکه را شنیده‌اند، چنانچه وارد شهر ما شوید آن‌ها ما را خوار و ذلیل به شمار می‌آورند و نسبت به ما گستاخ خواهند شد. ما در سال آینده در همین ماه به مدّت سه روز به شما اجازه می‌دهیم وارد مکه شوید و عبادت خود را انجام دهید. سپس از شهر خارج شوید». رسول خدا ﷺ به این درخواست آن‌ها پاسخ مثبت داد. آن‌ها همچنین گفتند: «تو باید هر فردی را که از میان ما به سوی تو پناه می‌آورد به ما بازگردانی و ما نیز در مقابل، افراد فراریتان را که به ما پناهنده می‌شوند به شما تحویل خواهیم داد». رسول خدا ﷺ فرمود: «ما به افرادی که از میان ما به شما پناه می‌آورند نیازی نداریم. اما افرادی را که در مکه مسلمان می‌شوند شکنجه نکنید و آن‌ها را به خاطر انجام احکام اسلام اذیت نکنید». آن‌ها این پیشنهاد را پذیرفتند. زمانی که رسول اکرم ﷺ به این درخواست آن‌ها پاسخ مثبت داد و با آن‌ها صلح نمود، اکثریت یارانش با این امر مخالفت کردند. مخالفت عمر بن خطاب از همه‌ی آن‌ها شدیدتر بود. او از رسول خدا ﷺ پرسید: «ای رسول خدا ﷺ! مگر ما بر حق نیستیم و دشمنانمان بر باطل نیستند؟! آن حضرت فرمود: «بلی!» عمر پرسید: «آیا باید ذلّت و خواری در دینمان را بپذیریم؟» رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند به من وعده‌ی پیروزی داده است. وعده‌ی خداوند همیشه تحقق خواهد یافت». عمر گفت: «اگر چهل نفر از من حمایت می‌کردند، با رسول خدا ﷺ مخالفت می‌کردم». سهیل بن عمرو و حفص بن احنف به سوی قریش رفتند و جریان صلح را به اطلاع آن‌ها رساندند. عمر گفت: «ای رسول خدا! آیا شما نفرمودید: «ما وارد مسجد



الحرام خواهیم شد و پس از اتمام مناسک حج موی سرمان را خواهیم تراشید»؟ پیامبر ﷺ از او پرسید: «آیا من به تو وعده دادم که امسال این کار را خواهیم کرد؟ من به شما گفتم که خداوند به من وعده داده است که وارد مکه خواهیم شد و مناسک حج را به جا خواهیم آورد». زمانی که به ادامه سؤالاتشان پرداختند، آن حضرت فرمود: «اگر صلح را قبول ندارید، پس با آن ها بجنگید. آن ها به سوی سپاهیان قریش رفتند و به طور مفتضحانه ای شکست خوردند و به سوی رسول خدا ﷺ بازگشتند. آن حضرت لبخندی زد و فرمود: «ای علی علیه السلام! شمشیر را بردار و با قریش رویارویی کن. زمانی که آن ها امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدند پا به فرار گذاشتند و گفتند: ای علی علیه السلام! آیا محمد ﷺ در وعده ای که به ما داده بود، دچار بدا شده و نظرش تغییر کرده است؟» امام علی علیه السلام فرمود: «خیر! یاران رسول خدا ﷺ خجالت زده نزد آن حضرت بازگشتند و از ایشان معذرت خواهی می کردند. پیامبر ﷺ به ایشان فرمود: «مگر شما همان یاران من در جنگ بدر نیستید که خداوند درباره ی شما فرموده است: [به خاطر بیاورید] زمانی را [که از شدت ناراحتی در میدان بدر]، از پروردگارتان کمک می خواستید و او خواسته ی شما را پذیرفت [و گفت]: من شما را با یک هزار از فرشتگان، که پشت سرهم فرود می آیند، یاری می کنم. (سوره انفال، آیه ۹) مگر شما همان یاران من در جنگ احد نیستید که آیه ی زیر درباره ی شما نازل شد: به خاطر بیاورید هنگامی را که از کوه بالا می رفتید و جمعی در وسط بیابان پراکنده شدند و [از شدت وحشت]، به عقب ماندگان نگاه نمی کردید، و پیامبر از پشت سر، شما را صدا می زد. (سوره آل عمران، آیه ۱۵۳) مگر شما همان یاران من در فلان روز و فلان روز نیستید؟ آن ها نزد آن حضرت به معذرت خواهی پرداختند و از تصورات قبلیشان پشیمان شدند و گفتند: «خداوند و پیامبرش می دانند! ای رسول خدا ﷺ! هر کاری را که می خواهید انجام بدهید». حفص بن احنف و سهیل بن عمرو بار دیگر نزد رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند: «ای محمد ﷺ! قریش به درخواست شما



مبنی بر آزادی اظهار اسلام و عدم اکراه افراد بر آیین شان پاسخ مثبت دادند. رسول خدا ﷺ از یارانش خواست دوات و قلم بیاورند و امیرالمؤمنین علیه السلام را فرا خواند و به او فرمود: «بنویس». امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم». سهیل بن عمرو گفت: «ما رحمان را نمی شناسیم. همانند پدранت بنویس: باسمک اللهم». رسول خدا ﷺ فرمود: «ای علی علیه السلام! بنویس: باسمک اللهم؛ زیرا یکی از نام های خداوند است». پیامبر ﷺ سپس فرمود: «این پیمان صلحی است میان محمد پیامبر خدا و قریش». سهیل بن عمرو گفت: «اگر به پیامبری تو ایمان داشتیم با تو نمی جنگیدیم». بنویس: «این معاهده صلحی است میان محمد بن عبدالله و قریش». «ای محمد ﷺ! آیا از اصل و نسب خویش بیزاری؟» پیامبر ﷺ فرمود: «اگر اقرار هم نکنید باز هم من رسول خدا هستم». سپس فرمود: «ای علی علیه السلام! آنچه را نوشتی پاک کن و به جای آن بنویس: محمد بن عبدالله». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «من لقب شما مبنی بر پیامبری تان را هرگز پاک نخواهم کرد». به همین دلیل پیامبر ﷺ با دست مبارکش آن را پاک کرد. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نوشت: «این پیمان صلحی است میان محمد بن عبدالله و سهیل بن عمرو نماینده قریش». مبنی بر اینکه به مدت ده سال از جنگ با یکدیگر خودداری کنند و به یکدیگر حمله نکنند، علیه یکدیگر شمشیر نکشند و افراد یکدیگر را به اسارت نگیرند. هرکس بخواهد با محمد ﷺ یا قریش پیمان اتحاد ببندد، آزاد است. براساس این معاهده، هرکدام از افراد قریش که بدون اذن ولی از میان قریش به مدینه بگریزد، محمد ﷺ باید او را به قریش بازگرداند. اما هرکدام از افراد محمد ﷺ که به قریش پناهنده شود، به محمد ﷺ بازگردانده نخواهد شد. افراد مسلمان در مکه می توانند دین خود را اظهار کنند و در آن شهر افراد مجبور به پیروی از دین خاصی نیستند و به خاطر پذیرش دین خاصی مورد آزار و اذیت یا انتقاد قرار نخواهند گرفت. امسال، محمد ﷺ و یارانش به مدینه باز خواهند



گشت و در سال آینده بدون داشتن سلاح جنگی جز سلاح افراد مسافر، به مگه باز خواهند گشت و سه روز در آنجا خواهند ماند. کاتب این معاهده: علی بن ابی طالب علیه السلام، شهود نگارش معاهده: مهاجرین و انصار. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای علی علیه السلام! تواز پاک کردن نام (رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم) خودداری کردی. قسم به کسی که مرا به پیامبری برگزیده است، تو در آینده درحالی که مورد ظلم و ستم قرار خواهی گرفت، به فرزندان آن‌ها مشابه چنین پاسخی را خواهی داد. زمانی که جنگ صفین اتفاق افتاد و طرفین، حکمیت را پذیرفتند، امیرالمؤمنین علیه السلام نوشت: «این پیمان صلحی است میان امیرالمؤمنین و معاویه پسر ابوسفیان». عمرو بن عاص گفت: «ای علی علیه السلام! اگر به اینکه تو امیرالمؤمنین هستی اعتقاد داشتیم که با تو نمی جنگیدیم. بنویس: این پیمان صلحی است میان علی بن ابی طالب و معاویه پسر ابوسفیان». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خداوند و پیامبرش راست گفته‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این امر را به من اطلاع داده بود». سپس آن را نوشت. زمانی که پیمان صلح حدیبیه نوشته شد، قبیله‌ی خزاعه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بنی بکر با قریش هم‌پیمان شدند. صلح حدیبیه را در دو نسخه نوشتند و یکی از نسخه‌ها را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دیگری را به سهیل بن عمرو دادند. سهیل بن عمرو و حفص بن احنف به میان قریش بازگشتند و جریان را برایشان تعریف کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به یارانش فرمود: «حیواناتی را که برای قربانی آورده‌اید سر ببرید و موی سرتان را بتراشید». اصحاب آن حضرت از این کار خودداری کردند و گفتند: «چگونه این کار را بکنیم درحالی که هنوز طواف و سعی را انجام نداده‌ایم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این پاسخ آن‌ها اندوهگین شد و از این امر به همسرش ام سلمه شکایت کرد. ام سلمه فرمود: «ای رسول خدا! شما قربانی‌تان را سر ببرید و موهایتان را بتراشید». آن حضرت نیز چنین کرد. همراهان آن حضرت که چنین دیدند، با تردید اقدام به این کار کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با هدف بزرگداشت قربانی کردن، فرمود:



«خداوند کسانی را که موهایشان را تراشیده‌اند رحمت کند!» گروهی که هنوز قربانی‌شان را انجام نداده بودند گفتند: «آیا برای کسانی که موهایشان را کوتاه کرده‌اند دعا نمی‌کنید؟ زیرا کسی که قربانی را انجام نداده باشد، تراشیدن مو بر او واجب نیست». رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند کسانی را که موهایشان را تراشیده‌اند و قربانی را انجام نداده‌اند، رحمت کند!» آن‌ها گفتند: «پس برای آنان که موهایشان را کوتاه کرده‌اند، دعا نمی‌کنید؟» پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند کسانی را که موهایشان را کوتاه کرده‌اند رحمت کند!» رسول خدا ﷺ به سوی مدینه حرکت کرد و به تنعیم بازگشت و زیر درختی فرود آمد. یارانش که با پیمان صلح آن حضرت مخالفت کرده بودند نزد ایشان آمدند و معذرت خواهی و اظهار پشیمانی کردند و از آن حضرت خواستند تا برایشان طلب آمرزش کند. به همین دلیل آیه‌ی رضوان نازل شد. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا، لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ. (القلمی، ج ۲، ص ۳۰۹)

چرا سوره فتح می‌خوانیم؟

سوره فتح نه تنها در بینش سیاسی حاکمیت اسلامی بسیار مفید است بلکه در قرائت آن فواید فردی نیز آمده است و به تلاوت و نوشتن آن تأکیدات فراوانی شده است. در روایت آمده که برای درد پا امام حسین علیه السلام تلاوت ۷ آیه اول سوره فتح را به عنوان تعویذ توصیه نموده‌اند. (طب الأئمه ص ۳۳/ ثواب الأعمال، ص ۱۱۵)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: هرکس این سوره را بنویسد و در زمان جنگ یا خصومت آن را به خود بیاویزد، کاملاً در امان خواهد بود و باب خیر بر او گشوده خواهد شد. هرکس آب متبرک شده به وسیله‌ی آن را بنوشد، از ترس و لرز رهایی خواهد یافت. هرکس در هنگام سوار شدن به کشتی آن را بخواند، به اراده‌ی خداوند از غرق شدن در دریا در امان خواهد بود. (تفسیر اهل بیت

عليهم السلام ج ۱۴، ص ۳۹۴

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام برای زمان تنگدستی و سختی توصیه به نمازی با این خصوصیات می کنند: چون امری بر تو مشکل شود، وقت ظهر دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت اول؛ حمد، توحید و **إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا** تا **وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا** و در رکعت دوم؛ حمد، توحید و **أَلَمْ نَشْرَحْ** که بسیار مجرب است. (بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۱۵)^۱ نکته جالب توجه سرور و شادمانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از نزول این سوره است. قتاده از انس نقل می کند: هنگامی که از جنگ حدیبیه بازگشتیم درحالی که بین ما و اعمالمان فاصله افتاده بود و ما از این جهت ناراحت و غمگین بودیم، خداوند آیه: **إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا** را نازل نمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیه ای بر من نازل شده که برایم از دنیا و آنچه در آن است محبوب تر می باشد.^۲ (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۴۰۴) با توجه به این که سوره فتح به جریانی سیاسی در دوره حکومت اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مربوط می شود برای فهم سوره لازم است به مباحث تاریخی نیز توجه نمود.

۱. الصادق علیه السلام مِنْ كَتَبَهَا وَجَعَلَهَا فِي وَقْتٍ مُحَارَبَةٍ أَوْ خُصُومَةٍ أَمِنْ جَمِيعِ ذَلِكَ وَفُتِحَ عَلَيْهِ بَابُ الْخَيْرِ وَمَنْ شَرِبَ مَائَهُ لِلرَّجْفِ وَالرُّعْبِ يَسْكُنُ الرَّجْفُ وَيُطْلِقُهُ وَمَنْ قَرَأَهَا فِي رُكُوبِ الْبَحْرِ أَمِنْ مِنَ الْغَرَقِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

۲. صَلَٰةُ الْعُمَرُو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ إِذَا عَسَرَ عَلَيْكَ أَمْرٌ فَصَلِّ عِنْدَ الزَّوَالِ رُكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَإِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا إِلَى قَوْلِهِ وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَفِي الثَّانِيَةِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَأَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَقَدْ جَرَّبَ.

۳. الرَّسُولُ صلی الله علیه و آله و سلم قَتَادَةُ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: لَمَّا رَجَعْنَا مِنْ غَزَاةِ الْحُدَيْبِيَّةِ وَقَدْ حِيلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ نُسُكِنَا فَنَحْنُ بَيْنَ الْحُزْنِ وَالْكَأَبِ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم لَقَدْ نَزَلَتْ عَلَيَّ آيَةٌ هِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ﴿١﴾ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ
وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا
عَزِيزًا ﴿٣﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ
إِيمَانِهِمْ ۖ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾
لِيَدْخُلِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۖ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾ وَيُعَذِّبُ
الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ
السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۖ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ
وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا
حَكِيمًا ﴿٧﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا
يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۖ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ۖ وَمَنْ
أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ
مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآلِسَتِهِمْ مَا لَيْسَ
فِي قُلُوبِهِمْ ۖ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
نَفْعًا ۚ بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ

وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوَاءً وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾ قُلِ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدْعَةٌ إِلَىٰ قَوْمِ أُولَىٰ بِأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾ وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

٢٢ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَهُوَ الَّذِي
 كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ
 عَلَيْهِمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۚ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ
 الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ ۚ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ
 وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ
 لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَو تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا
 أَلِيمًا ۚ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ ۚ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ
 اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا
 أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۚ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّوْيَا
 بِالْحَقِّ ۖ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ
 وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ۖ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا
 ۚ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَكَفَىٰ
 بِاللَّهِ شَهِيدًا ۚ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
 سَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۚ سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ
 أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ
 شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ
 الْكُفَّارَ ۚ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۚ

بنام خداوند بخشنده مهربان

ما برای تو پیروزی آشکاری [= فتح مکه] را فراهم ساختیم ﴿۱﴾ تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (و حَقَّانیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید ﴿۲﴾ و پیروزی شکست ناپذیری نصیب تو کند ﴿۳﴾ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ و لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است ﴿۴﴾ هدف (دیگر از آن پیروزی آشکارا) این بود که مردان و زنان با ایمان را (به سبب فداکاری هایشان) در باغهای بهشتی وارد کند که نهرها از پای درختانش جاری است، در حالی که جاودانه در آن می مانند، و تا گناهانشان را ببخشد، و این نزد خدا پیروزی و رستگاری بزرگی است ﴿۵﴾ و (نیز) مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند مجازات کند؛ (آری) حوادث ناگواری (که برای مؤمنان انتظار می کشند) تنها بر خودشان فرو می آید. خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده؛ و چه بد سرانجامی است! ﴿۶﴾ لشکریان آسمانها و زمین تنها از آن خداست؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است ﴿۷﴾ بی‌یقین ما تو را گواه (بر اعمال آنها) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم ﴿۸﴾ تا (شما) به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسبیح گوید ﴿۹﴾ به یقین کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می شکند؛ و آن کس که نسبت به عهده‌ی که با خدا بسته وفا کند،

بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد ﴿۱۰﴾ بزودی تخلف کنندگان از اعراب بادیه نشین (عذرتراشی کرده) می گویند: «(حفظ) اموال و خانواده هایمان، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه توراهمراهی کنیم)، برای ما طلب آمرزش کن.» آنها به زبان خود چیزی می گویند که در دل ندارند. بگو: «هرگاه خدا زبانی برای شما بخواهد، چه کسی می تواند در برابر او از شما دفاع کند؛ و یا اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند آنچه که انجام می دهید آگاه است.» ﴿۱۱﴾ ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز نزد خانواده های خود باز نخواهند گشت؛ و این (پندار غلط) در دل های شما زینت یافته بود و گمان بد کردید؛ و سرانجام گروهی بودید که (در دام شیطان افتادید و) هلاک شدید ﴿۱۲﴾ آن کس که به خدا و پیامبرش ایمان نیاورده (سرنوشتش دوزخ است)، چرا که ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده ایم! ﴿۱۳﴾ مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و هر کس را بخواهد مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است. ﴿۱۴﴾ هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی حرکت کنید، متخلفان (حدیبیه) می گویند: «بگذارید ما هم در پی شما بیاییم، آنها می خواهند کلام خدا را دگرگون سازند؛ بگو: «هرگز به دنبال ما نیایید؛ این گونه خداوند از قبل گفته است.» آنها بزودی می گویند: «شما نسبت به ما حسد میورزید.» ولی آنها جز اندکی نمی فهمند. ﴿۱۵﴾ به متخلفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می شود که به سوی قومی نیرومند و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند؛ اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می دهد؛ و اگر سرپیچی نمایید- همان گونه که در گذشته نیز سرپیچی کردید- شما را با عذاب دردناکی کیفر می دهد!» ﴿۱۶﴾ بر نابینا و لنگ و بیمار (اگر در

میدان جهاد شرکت نکنند) گناهی نیست؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت نماید، او را در باغهای بهشتی وارد می کند که نهرها از پای درختانش جاری است؛ و آن کس که سرپیچی کند، او را با عذاب دردناکی کیفر می دهد! ﴿۱۷﴾ خداوند از مؤمنان، هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند- خوشنود شد؛ خدا آنچه را درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را پاداش آنها قرار داد؛ ﴿۱۸﴾ و (همچنین) غنایم بسیاری که آن را به دست می آورند؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است. ﴿۱۹﴾ خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می آورید، ولی این یکی [= غنایم خیبر] را زودتر برای شما فراهم ساخت؛ و دست تعدی مردم [= دشمنان] را از شما بازداشت تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند. ﴿۲۰﴾ و نیز غنایم و فتوحات دیگری (نصیبتان می کند) که شما توانایی (به دست آوردن) آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد؛ و خداوند بر همه چیز تواناست. ﴿۲۱﴾ و اگر کافران (در سرزمین حبیبیه) با شما پیکار می کردند بزودی فرار می کردند، سپس سرپرست و یآوری نمی یافتند. ﴿۲۲﴾ این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت. ﴿۲۳﴾ او کسی است که دست آنها را از شما، و دست شما را از آنان در دل مگه کوتاه کرد، بعد از آن که شما را بر آنها پیروز ساخت؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست ﴿۲۴﴾ آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیهایتان به قربانگاه بازداشتند؛ و اگر نبود که مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین می رفتند و از این راه عیب و عاری نا آگاهانه به شما می رسید، (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی شد). هدف

این بود که خدا هر کس رامی خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر (مؤمنان و کفار در مگه) از هم جدا می شدند، کافران را با عذاب دردناکی مجازات می کردیم! ﴿۲۵﴾ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند؛ و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند؛ و خداوند به همه چیز داناست ﴿۲۶﴾ خداوند آنچه را به پیامبرش در رؤیا نشان داد، به حق راست گفت؛ بطور قطع همه شما به خواست خدا وارد مسجد الحرام می شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (در خیبر برای شما) قرارداد است ﴿۲۷﴾ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه (این موضوع) باشد ﴿۲۸﴾ محمد فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل و رضای خدا را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات است و توصیف آنان در انجیل، همانند زراعتی است که جوانه اش را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد! و کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است ﴿۲۹﴾





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝۱

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ما برای تو پیروزی آشکاری [= فتح مکه] را فراهم ساختیم ۱

معرفت آیات

این آیه از آیات معروف قرآن کریم است که در روایات بسیاری از آن یاد شده است. در این آیه خداوند خطاب به پیامبر ﷺ فتح روشن و آشکار را برای پیامبر ﷺ انجام داده و فتح را به خود خدا نسبت می دهد. چنانکه در اول سوره نصر هم یاری خدا و فتح به پیامبر ﷺ می رسد.^۱ پس خداوند پیروز می کند. علامه طباطبایی معتقد است در این آیه خداوند بر پیامبر ﷺ منت فتح می گذارد. بیشتر منابع روایی این فتح را صلح حدیبیه می دانند که باعث تمام شدن درگیری میان مسلمین و مشرکین و امکان تبلیغ گسترده مسلمانان و در نهایت فتح مکه به عنوان پایگاه مشرکین شد.

از یاران پیامبر ﷺ نقل است که هنگامی که از جنگ حدیبیه بازگشتیم درحالی که بین ما و اعمالمان فاصله افتاده بود و ما از این جهت ناراحت و غمگین بودیم، خداوند آیه: **إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا** را نازل نمود.

۱. اذا جاء نصر الله والفتح (آیه ۱، سوره نصر)



شهید رئیسی
در کلام رهبر معظم انقلاب

جنابعالی را

که خود نشأت یافته‌ی آن دیار پر
برکت، و برخوردار از صلاح و امانت،
و کارآزموده در مدیریت‌های کلان
می‌باشید، به تولیت آن آستان نورانی
و مقدس منصوب می‌کنم.

حکم تولیت آستان قدس رضوی

۱۷ اسفند ۱۳۹۴

رسول خدا ﷺ فرمود: آیه‌ای بر من نازل شده که برایم از دنیا و آنچه در آن است محبوب‌تر می‌باشد. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۴۰۴)

همچنین در جوامع الجامع آمده است که مراد از فتح در آیه اول فتح حدیبیه می‌باشد و روایت شده که وقتی رسول خدا ﷺ از حدیبیه بازگشت مردی از اصحاب گفت: «این چه فتحی بود که ما را از خانه‌هایمان و از قربانی کردن نیز باز داشت؟» پیامبر ﷺ فرمود: «بد سخنی را بر زبان جاری نمودی. بلکه این بالاترین فتح ما بود؛ مشرکان راضی شدند که شما با آسایش و امنیت از شهرشان بازگردید و از شما در مورد اسلام می‌پرسیدند و میل به امان دادن به شما پیدا نمودند و از شما اموری را مشاهده کردند که برایشان قابل تحمّل نبود. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۴۰۶، نورالثقلین).



لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿١﴾

تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (و حَقَّانِیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید ﴿۱﴾

معرفت آیات

در این آیه خداوند متعال این فتح را برای پوشاندن اعمالی که پیامبر ﷺ انجام می دادند بر اساس توحید ولی از نظر مشرکین بد بود، قرار داد. همچنین این فتح برای تمام شدن نعمت بر پیامبر ﷺ و هدایت ایشان به راه مستقیم بود. باید دقت کرد که با توجه به علم لغت ذنب به معنای هر عملی که آثار شوم داشته باشد، و معنای لغوی مغفرت هم پوشاندن هر چیز است. (المیزان)

در مورد این آیه مأمون از امام رضا علیه السلام سؤال کرد. مأمون به آن حضرت گفت: ای فرزند رسول خدا ﷺ! مگر نمی گویی پیامبران معصوم هستند؟ امام فرمود: بلی! ... مأمون گفت: ای ابالحسن علیه السلام! آیه: **لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ** را برایم تفسیر کن. آن حضرت فرمود: از نظر مشرکان عرب، رسول خدا ﷺ از همگان گناهکارتر بود. زیرا آن ها به جای خداوند سیصد و شصت بت را می پرستیدند. اما آن حضرت برایشان دعوت به کلمه ای اخلاص را به ارمغان آورد و این امر بر آن ها دشوار می نمود. به همین دلیل می گفتند: آیا او به جای این همه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این به راستی چیز عجیبی است! سرکردگان آن ها بیرون آمدند و گفتند: بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته اند [شما را گمراه کنند]! ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده ایم این تنها یک آئین ساختگی است! زمانی که خداوند، فتح مکه را برای پیامبر ﷺ ممکن کرد، خطاب به آن حضرت فرمود: **إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا، لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ** یعنی تا خداوند گناهان تو را به گمان



شهید رئیسی
در کلام رهبر معظم انقلاب

جنابعالی را برگزیده‌ام

که دارای سوابق طولانی در سطوح مختلف قوه قضائیه و آشنا با همه‌ی زوایای آن می‌باشید و از طرفی در کنار فقاہت از تحصیلات حقوقی و دانش و تجربه در این عرصه مهم برخوردارید و سلامت و امانت و کارآمدی خود را در مقاطع گوناگون خدمت نشان داده‌اید

انتصاب حجت الاسلام والمسلمین
سید ابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه

۱۶ اسفند ۱۳۹۷

مشرکان مگه به علت فراخواندن مردم به یکتاپرستی در گذشته، حال و آینده بیمارزد. زیرا برخی از مشرکان مگه، ایمان آورده و برخی نیز از مگه خارج شده بودند. گروهی که در مگه باقی ماندند، نتوانسته بودند دعوت مردم به توحید توسط آن حضرت را انکار کنند. به همین دلیل، گناہانی که آنان فکر می‌کردند بر دوش محمد ﷺ است، بخشوده شد؛ زیرا حرف او به کرسی نشست و بر آنان پیروز شد. (بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۸۳/الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳/عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰)

مردی یهودی از شام که تورات و انجیل و زبور و صحف انبیاء ﷺ را خوانده بود و اطلاعاتی از استدلال‌های آن‌ها داشت، وارد مجلسی شد که اصحاب پیامبر ﷺ در آن حضور داشتند؛ حضرت علی بن ابی طالب ﷺ نیز بود و ابن عباس رضی اللہ عنہما و ابو معبد جہنی.

گفت: ای امت محمد ﷺ هیچ مقام و منزلتی را برای پیامبری و انگذاشتید جز اینکه تمام آن‌ها را برای پیامبر خود ادعا کردید؛ آیا پاسخ سؤال‌های مرا می‌دهید؟ مردم از او روی برگردانیدند.



اما حضرت علی (علیه السلام) فرمود: آری، خداوند هیچ درجه‌ای به پیامبر و فضیلتی برای رسولی نداده مگر اینکه تمام آن‌ها را در پیامبر ما  جمع کرده و به آن جناب چند برابر افزون‌تر بخشیده است. یهودی گفت: تو جواب مرا می‌دهی. فرمود: آری، امروز از فضایل پیامبر  به مقداری نقل می‌کنم که موجب روشنی چشم مؤمنین شود و تردید کسانی که در فضایل آن جناب مشکوک بودند، برطرف گردد. وقتی فضیلتی از خود نقل می‌کردم می‌فرمود افتخار نمی‌کنم. من اکنون فضائل آن جناب را تذکر می‌دهم بدون اینکه خرده‌گیری به انبیاء  داشته باشم. ولی خداوند را سپاسگزارم به واسطه‌ی آنچه به او عنایت فرموده؛ مانند تمام فضائلی که به انبیاء  داده و مقامات دیگری که به ایشان اختصاص داده است و آن جناب را بر انبیاء  فضیلت بخشیده است. یهودی گفت: من اینک سؤال می‌کنم خود را آماده جواب کن. فرمود: بگو! گفت: خداوند ملائکه را به سجده‌ی آدم  مأمور کرد؛ آیا چنین مقامی را به ایشان داده است؟